

خلاء در این زمینه همچون زمینه‌های بسیار دیگر باقی است.

یکی از آثار ارسطو در بخش طبیعیات رسالهٔ در کون و فساد^(۳) است که در ترتیب منطقی آثار طبیعی او در مرتبهٔ سوم قرار دارد، زیرا اهل نظر آثار طبیعی او را به چهار قسمت تقسیم کرده‌اند. ۱- فیزیک یا به زبان فلسفه اسلامی سماع الکیان یا سماع طبیعی که موضوع آن بسیار کلی است و ارسطو در آن پس از اثبات وجود سیوروت و تعریف طبیعت به عنوان مبدأ حرکت و شماره و نقش مبادی و علل در مورد تغییر برحسب مقولات مختلف و مفاهیم مشتق و نهایتاً اثبات وجود یک محرک اول غیرمتحرک فوق محسوس به نتیجه‌گیری مابعدالطبیعی از تفکرات نظری درباره طبیعت بطور کلی می‌پردازد. ۲- در آسمان یا به زبان فلسفه اسلامی فی السماء والعالم که بلافاصله بعد از فیزیک می‌آید و حوزهٔ آن فقط شامل بررسی حرکت انتقالی در اجسام آسمانی و اجسام تحت‌القمری است. ۳- رسالهٔ کوتاه ولی اساسی کون و فساد که مکمل دو کتاب اول فی السماء والعالم است و خود در دو کتاب تنظیم شده است و ارسطو در آن به بررسی اجسام تحت‌القمری ادامه می‌دهد. ۴- در نفس که در ذیل علم طبیعت جای می‌گیرد، زیرا نفس مانند جوهر صوری اجسام طبیعی است که در ماده متحقق می‌شود. رسالهٔ کون و فساد ارسطو که سومین رساله از رسائل چهارگانهٔ فوق است، اینک به همت مترجم توانا و سختکوش و ویراستار ارجمند بسیاری از ترجمه‌های آثار فلسفی، آقای اسماعیل سعادت به زبان فارسی ترجمه و از سوی انتشارات مرکز نشر دانشگاهی انتشار یافته است. آقای سعادت این ترجمه را براساس ترجمه

سالمی‌های فعالیتش در آسوس و میتیلن ۳- دورهٔ ریاست او بر لوکیوم در آتن. این آثار همچنین به دو گروه یا دو نوع تقسیم می‌شود: ۱- آثار عمومی یا خارجی که بیشتر آن‌ها به صورت محاوره نوشته شده و برای انتشار عمومی در نظر گرفته شده بوده است. ۲- آثار تعلیمی (بیانات سماعی یا تعلیمات شفاهی) که اساس درسهای ارسطو در لوکیوم را تشکیل می‌داده است. عمدهٔ آثار ارسطو که امروزه در دست ماست از همین نوع دوم است و آراء خاص فلسفی او نیز در همین آثار آمده است. این آثار غالباً متعلق به دورهٔ سوم حیات او- تدریس در لوکیوم در آتن- هستند و آنها خود به ۵ بخش تقسیم می‌شوند: ۱- آثار منطقی ۲- آثار مابعدالطبیعی ۳- آثار مربوط به فلسفه طبیعی، علم طبیعی، علم النفس و غیره ۴- آثار مربوط به اخلاق و سیاست ۵- آثار مربوط به علم الجمال، تاریخ و ادبیات.^(۴)

از میان این آثار متنوع و گوناگون که هر کدام به نوبهٔ خود سهمی در خور تاریخ تفکر بشری ایفا کرده است تنها ترجمه‌های قابل اعتماد در زبان فارسی مربوط است به ترجمهٔ نقدالشعر به قلم آقای دکتر فتح‌الله مجتبابی و ترجمهٔ دیگری به قلم دکتر عبدالحسین زرین‌کوب، ترجمهٔ دربارهٔ نفس به قلم دکتر علیمراد داودی، ترجمهٔ سیاست به قلم شادروان دکتر حمید عنایت و ترجمهٔ مابعدالطبیعه به قلم آقای دکتر شرف‌الدین خراسانی. خوشبختانه شنیده شده است که ترجمه دیگری از مابعدالطبیعه به قلم آقای دکتر محمدحسن لطفی در دست طبع است و آقای دکتر محمد خوانساری نیز ترجمهٔ مقولات ارسطو را برای طبع آماده کرده‌اند. ولی روشن است که این تعداد ترجمه از خیل عظیم آثار ارسطو تعدادی اندک است و هنوز

ترجمه آثار کلاسیک فرهنگ و ادب جهانی به زبان فارسی از جمله ضروریاتی است که لزوم آن بر کسی پوشیده نیست و یکی از اساسی‌ترین نیازهای امروزه ما در عرضه فعالیت‌های فرهنگی و فکری است. در بین این آثار ترجمه کتب فلسفی مهمتر و لازمتر است و در این بین بدیهی است که آثار فیلسوفان طراز اول اهمیت بیشتر دارد و ارسطو در این میان در مرتبهٔ نخست اهمیت است.

با آنکه بیش از هزار سال از ترجمهٔ بسیاری از آثار ارسطو به زبان عربی در قرون نخستین اسلامی می‌گذرد^(۱) هنوز جز چند اثر محدود از او آن هم در دهه‌های اخیر، به زبان فارسی ترجمه نشده است و از این جهت ما فعلاً در آغاز راه هستیم. البته روشن است که ترجمه آثار ارسطو کار دشواری است و تجربه و تمرین و زحمت بسیار می‌طلبد و هر کسی صلاحیت و جرأت ورود به این میدان را ندارد. آثار ارسطو را از جهت زمان تألیف به سه دورهٔ عمده تقسیم کرده‌اند: ۱- دورهٔ ارتباط او با افلاطون ۲-

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



۱۳۷۷

درکون و فساد

ارسطو

ترجمه اسماعیل سعادت

مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۷

فرانسه رساله به قلم ژ. تریکو- که مترجم بیشتر آثار ارسطو به زبان فرانسه است- و سه ترجمه انگلیسی- که مشخصات آنها را در مقدمه مترجم ذکر کرده‌اند- به انجام رسانده‌اند و متنی منقح و قابل اعتماد و در کمال فخامت و استواری را از این اثر دشوار ارسطو به فارسی زبانان اهداء نموده‌اند. علاوه بر این مقدمه‌ای کوتاه ولی مفید در احوال و افکار ارسطو نیز از یک اثر فلسفی فرانسوی ترجمه کرده، در آغاز کتاب قرار داده‌اند. چنانکه مقدمه تریکو، همراه با حواشی مفصل و روشنگر او بر کتاب را نیز ترجمه و بر آن افزوده‌اند. همچنین واژه‌نامه‌ای در دو بخش فرانسه، انگلیسی، یونانی و لاتینی به فارسی و فارسی به فرانسه، انگلیسی، یونانی و لاتینی هم که در جای خود بسیار سودمند است به پایان کتاب منضم ساخته‌اند و دوستداران فارسی زبان فلسفه را رهین زحمت خویش نموده‌اند.

کون و فساد خصوصیات اساسی اجسام تحت‌الشمسی است که ارسطو مباحث مربوط به آنها را در این رساله در دو کتاب به انجام رسانده است. در کتاب اول که بنا به تقسیم مترجم فرانسوی مشتمل برده بخش است بنا به روش معهود ارسطو نخست به نقل و نقد آراء دیگران درباره کون و فساد پرداخته شده و سپس تفاوت استحالته با کون و فساد و نمو و ذبول مطرح شده است و چون بررسی عناصر بسیط و ترکیبات آنها مستلزم آن است که نخست اختلاط و ترکیب و قبل از آن شرایطی را که در آن اختلاط صورت می‌گیرد و عبارت از مماسه و فعل و انفعال است، بررسی شوند، ارسطو در ادامه کتاب اول به بررسی این موضوعات پرداخته است. کتاب دوم نیز بنا به تقسیم تریکو مشتمل بر ۱۱ بخش

است که در آن به ترتیب از عناصر یا اسطقات اربع، اضمداد نخستین، تشکیل عناصر از کیفیات عنصری، تبدیل عناصر، پدید آمدن متشاکل‌ها از عناصر، علل چهارگانه (مادی، صوری، غایی، فاعلی) کون و فساد و ضرورت کون سخن به میان آمده است. این رساله علاوه بر آنکه مشتمل بر آراء ارسطو در مورد عناصر اصلی فلک تحت‌الشمس و کیفیت پیدایش کثرت در آنها و راههای وقوع این کثرت است، تا حدود قابل توجهی سیرت و سنت پژوهشی او در حوزه علوم طبیعی را نیز نشان می‌دهد، بویژه این امر را که او تا چه حد برای تجربه و مشاهده مستقیم پدیده‌های طبیعت اهمیت قائل است و نظریه پردازیهای ذهنی و بدور از بررسی عینیات تجربی را بی‌اهمیت و گمراه کننده تلقی می‌کند و این در واقع نافی اتهامی است که در مورد یاد شده بر او وارد شده است:

آنچه سبب می‌شود که ما نتوانیم واقعیات مقبول را دریابیم نقصان تجربه ماست، به همین سبب است که کسانی که در تماس نزدیک با پدیده‌های طبیعت زندگی می‌کنند بهتر می‌توانند اصول اساسی پیشنهاد کنند که حیطة وسیعی را دربرگیرد. به عکس کسانی که افراط در استدلالات جدلی آنها را از مشاهده واقعیات باز می‌دارد، چون یافته‌های اندکی در دست دارند، خیلی زود نتیجه گیری می‌کنند.^(۴) یعنی فقط پژوهشگری که خود مستقیماً با شواهد و ادله مسئله درگیر است می‌تواند به فروض و نظریاتی دست یابد که بر کل سلسله واقعیتهای مربوط به مسئله منطبق باشد و آنها را تبیین کند.^(۵) در پایان این مقال تذکر سه نکته به مترجم محترم

ضروری است:

۱- چون فارسی زبانان به منابع مشروح و مفصلی درباره فلسفه ارسطو بویژه طبیعیات او دسترسی ندارند چنانچه مترجم مقدمه‌ای مشروحتر در معرفی و بررسی آراء ارسطو در این رساله می‌نوشت، فایده آن مضاعف می‌شد.

۲- افزودن فهرست اصطلاحات بر کتابهای مرجع و مهم از جمله ضروریاتی است که این کتاب از آن خالی است.

۳- دو واژه «مهر» و «کین» که در صفحات ۲۹ و ۳۰ کتاب در توضیح رأی امپدوکلس آمده‌اند در شفای بوعلی (کتاب کون و فساد) به صورت «محببت» و «غلبه»^(۶) آمده‌اند که بویژه در مورد واژه دوم، ترجمه درست تری به نظر می‌آید. توفیق روزافزون مترجم را از خدای متعال خواستارم.

۱- با آنکه رساله کون و فساد که در این مقاله مورد بحث ماست - از جمله آثار ترجمه شده ارسطو بوده - متأسفانه تاکنون به دست نیامده و مفقود است. حتی شروح اسکندر افرویدی و تامسپوس بر آن نیز ترجمه شده بوده است ولی در حال حاضر هیچکدام آنها در دسترس نیست.

• الشفاء، الطبیعیات، ج ۱، مقدمه مذکور، ص. ک

۲- تاریخ فلسفه، کاپلستون، ترجمه سیدجلال الدین مجتوی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۳۱۰-۳۱۷

3- De Generatione et corruptione

۴- در کون و فساد، ص ۳۴-۳۵

5- Ackrill, J.L. Aristotle the Philosopher, Oxford university Press, 1983, P.115

۶- الشفاء، الطبیعیات، کتاب الکون والفساد، افست کتابخانه آیت‌الله العظمی مرعشی ص ۱۱۲، عنوان فصل پنجم کتاب چنین است: «فی مناقضة اصحاب المحبة والقلبة»

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

سید محمود یوسف ثانی

ترجمه ای استوار از کتابی دشوار